

چالشهای آموزش متون نثر در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دکتر علی اکبر سام خانیانی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

هادی جوادی امام زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند

چکیده:

آموزش متون نثر در رشته ی زبان و ادبیات فارسی، با چالشهایی از قبیل: نحوه ی گزینش متون مرجع نثر فارسی، معیارهای انتخاب و معرفی شرح ها، ارزش واحدی متون در برنامه ی آموزشی رشته ی زبان و ادبیات فارسی، شیوه های آموزشی و پژوهشی استادان و پژوهشگران، میزان توجه به محتوای متون، کیفیت تحلیل و شیوه ی ارزیابی، میزان توجه به موضوعات میان رشته ای از قبیل روان شناسی ادبی، جامعه شناسی ادبی، بررسی های زبان شناختی (واژه شناسی و توانمندیهای دستور زبان فارسی و ...) مواجه است. همچنین بررسی شباهتها، تفاوتها، تأثیر گذاری و تأثیر پذیری ها می تواند زمینه های نوینی را در درک علمی متون و پژوهشهای تطبیقی فراهم آورد.

کلید واژه: آسیب شناسی، آموزش متون نثر، تحلیل متون نثر، تحوّل آموزشی.

مقدمه:

متأسفانه با گذشت سه دهه از تعیین سرفصلهای آموزشی رشته ی زبان و ادبیات فارسی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، که در وضعیتی کاملاً متفاوت تنظیم شده و با وضعیّت اجتماعی و آموزشی امروز، مطابقت ندارد، با کم توجهی به نیازهای نوین جامعه ی علمی- ادبی، تغییرات چندانی در ابعاد مختلف آموزش زبان و ادبیات فارسی در سطح آموزش عالی صورت نگرفته است. از این رو، در سالهای اخیر، آسیب شناسی آموزش این رشته ی دانشگاهی، مورد توجه استادان، پژوهشگران، مدیران و برنامه ریزان حوزه ی - آموزشی قرار گرفته است. در عین حال، با وجود برگزاری همایشهای مختلف در این زمینه، هنوز نتیجه ی

عملی قابل قبولی حاصل نشده است و این رشته، با همان سبک سنتی، در دانشگاهها تدریس می‌شود. علاوه بر این، آنچه که در این برهه از زمان به خوبی احساس می‌شود، نیاز به تربیت متخصصان آشنا با جنبه‌های مختلف ادبیات فارسی است تا بتوانند در راستای بازشناختن و بازشناساندن این رشته، گامهای مؤثرتری بردارند.

از جمله ی آسیبه‌های موجود در آموزش زبان و ادبیات فارسی، کم توجهی به متون نثر ادبی، اعم از متون کلاسیک و بخصوص متون نثر معاصر است. در این بخش، مقایسه‌ای در قالب ارزش واحدهای متون نظم با متون نثر انجام شده است تا نامتوازن بودن برنامه ریزی این واحدهای آموزشی آشکار گردد:

۱. ارزش واحدی متون نثر در برنامه ی آموزشی:

بر اساس برنامه و سرفصلهای درسی دوره ی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، که دانشگاه مرجع بوده و برنامه های درسی آن از طرف سایر دانشگاهها پذیرفته می‌شود، از مجموع ۱۳۶ واحد درسی این دوره، تنها ۱۶ واحد به متون نثر و در مقابل، ۳۶ واحد به متون نظم، اختصاص یافته است. از سویی دیگر، تعداد واحدهای آموزش زبان عربی، که شامل ۸ واحد قواعد عربی و ۱۰ واحد قرائت متون عربی است، با در نظر گرفتن شاخه‌های جانبی آن همچون «تفسیر موضوعی و...» بالغ بر ۲۰ واحد می‌شود که از واحدهای درسی متون نثر بیشتر بوده و این تقسیم بندی، حاکی از ناهماهنگی موجود در برنامه ریزی واحدهای درسی است.

اکنون به عناوین و سرفصلهای آموزشی متون نظم و نثر دوره ی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه تهران) اشاره می‌شود تا پیش زمینه ای جهت آغاز مبحث دوم باشد.

متون نثر ۱: تاریخ بیهقی/متون نثر ۲: قسمت اول سیاست نامه و قابوسنامه؛ قسمت دوم کشف الاسرار/ متون نثر ۳: قسمت اول کلیله و دمنه ۱؛ قسمت دوم: کلیله و دمنه ۲ /قسمت سوم: گلستان سعدی/متون- نثر ۴: مرصادالعباد/ ادبیات معاصر ۲: نثر.

متون نظم ۱: قسمت اول: رودکی و منوچهری؛ قسمت دوم: فرخی و کسایی / متون نظم ۲: قسمت اول: رستم و سهراب؛ قسمت دوم: رستم و اسفندیار؛ قسمت سوم: سی قصیده ناصر خسرو/ متون نظم ۳: قسمت اول: خاقانی، قسمت دوم: مسعود سعد سلمان؛ قسمت سوم نظامی/متون نظم ۴: قسمت اول: مثنوی مولوی ۱؛ قسمت دوم: مثنوی مولوی ۲؛ قسمت سوم: منطق الطیر؛ قسمت چهارم: حدیقه سنایی/متون نظم ۵: قسمت

اول بوستان سعدی؛ قسمت دوم غزلیات و قصاید سعدی؛ قسمت سوم حافظ ۱؛ قسمت چهارم حافظ ۲؛ قسمت پنجم صائب/ ادبیات معاصر ۱: نظم.

(دانشگاه تهران، ۱۳۸۸)

متون نثر: ۱۶ واحد

متون نظم: ۳۶ واحد

با نگاهی کوتاه و تأمل برانگیز به تعداد و ارزش واحدهای متون نظم ارائه شده در مراکز آموزش عالی، در مقایسه با متون نثر، اینگونه تلقی می‌شود که معیار ارزشی ادبیات فارسی، متکی بر متون نظم است و متون نثر جایگاهی در این میان ندارد. از سویی دیگر، در میان ۱۶ واحدی که با عنوان سرفصلهای متون نثر فارسی مشخص شده است، اختصاص یافتن ۲ واحد درسی به متون نثر ادبیات معاصر، مهر تأییدی بر سنتی بودن ادبیات فارسی است که این موضوع در مبحث بعدی بررسی می‌شود.

۲. نحوه ی گزینش متون مرجع نثر فارسی:

مسائلی همچون، بی‌هدفی و کج سلفیگی در گزینش متون، کم توجهی به گستره ی جغرافیای فرهنگی، عدم تعادل ادواری متون نثر (توجه وافر به متون ادوار اولیه و کم توجهی به متون ادوار میانه)، نادیده گرفتن نقاط قوت ادبیات نثر معاصر و همچنین بی توجهی نسبت به نیازها، انتظارات و خواسته‌های امروزی رشته ی زبان و ادبیات فارسی، سبب پیدایش معضلی به نام «ادبیات ایستا و جامعه‌ی پویا» شده و این نشان دهنده ی درجا زدن آموزش ادبیات فارسی است. از سویی دیگر، برنامه ریزی آموزش متون نثر، محدود به دوره و آثار خاصی بوده و بخصوص محدوده‌ی آن از قرن هفتم فراتر نرفته است. لذا در جهت شناخت گسترده‌ی متون نثر در دوره های مختلف، نمونه هایی از این آثار ذکر می گردد. (جهت آشنایی مخاطب با گستردگی و تنوع متون نثر ادبی، کتاب «انواع نثر فارسی» تألیف دکتر منصور رستگار فسایی، معرفی می گردد).

نثر قرن هفتم و هشتم: آثار عبید زاکانی: اخلاق الاشراف. ریش نامه. صد پند و ...

نثر آغاز قرن نهم تا اوایل قرن دهم: اخلاق محسنی، انوار سهیلی (آثار واعظ کاشفی).

قرن دهم تا دوازدهم: نگارستان (قاضی احمد غفاری) که مجموعه ای از نوادر حکایات از کتابهای مشهور تاریخی است. هفت اقلیم (امین احمد رازی) کتابی است که بنای آن بر جغرافیای هفت اقلیم عالم گذاشته است.

قرن دوازدهم تا دوره ی بیداری: هزار و یک شب (اثر عبداللطیف طسوجی).

نثر دوره ی بیداری و مشروطیت: آثار طالبوف همچون «سفینه ی طالبی» یا «کتاب احمد»/ آثار میرزا ملکم خان: اصول آدمیت، فرقه ی کج بنیان/ ترجمه ی کتاب حاجی بابا اصفهانی (اثر جیمز موریه) و

نثر «پسا مشروطه» که پهنه‌ای کشف نشدنی و بسیار وسیع دارد: آثار جمال زاده، سیمین دانشور، صادق هدایت، صادق چوبک، محمود دولت آبادی، هوشنگ گلشیری، محمود تفضلی، کریم کشاورز و (رستگار، ۱۳۸۰: ۴۷۴-۶۲۸).

متأسفانه از سویی دیگر، دانش آموختگان رشته ی زبان و ادبیات فارسی، حتی در دوره های تحصیلات تکمیلی، با بسیاری از آثار منثور ادبی معاصر ایران آشنا نیستند و این مشکلی است که تبعات منفی آن روز به روز، آشکارتر می شود. در مقابل، افرادی که با ذوق ادبی خود و نه با الگو و سرفصل آموزشی مراکز دانشگاهی، به مطالعه ی آثار ادبی معاصر پرداخته اند، در درک این آثار، که سهم مهمی در ادبیات فارسی دارد، به نسبت با دانش آموختگان دانشگاهها موفق ترند. پس لازم است که در عین توجه به متون نثر کهن، با اهمیت دادن به متون نثر معاصر، از فسرده‌گی موجود در تن و جان ادبیات فارسی کاسته شود.

۳. معیارهای انتخاب و معرفی شرحها (گزیده ها):

از جمله ی مشکلاتی که در آموزش متون نثر کهن وجود دارد، انتشار گزیده‌هایی است که سبب آشفتگی و سردرگمی استادان و دانشجویان شده است. بر همین اساس، به برخی از مشکلاتی که در بازار نشر و توزیع کتابهای گزیده ی ادبی وجود دارد، اشاره می شود:

الف) وجود گزیده های مختلف با الگو برداری از یک شرح کامل.

ب) گزیده‌هایی که تنها به شرح واژگان نه چندان مهم پرداخته و از توضیح نقاط دشوار، پرهیز کرده اند.

پ) غلبه ی جنبه ی تجاری و سود جویانه بر دقت علمی.

ت) عدم بازبینی یا انجام بازبینی های ناقص در تجدید چاپ برخی گزیده ها که در آنها ادعای تغییرات اساسی در ویرایش جدید، بیشتر یک تبلیغ تجاری به نظر می رسد.

پس لازم است که جامعه ی علمی و مجموعه ی دانشگاههای کشور، امکان داوری، ارزیابی و امتیازدهی معیارمند به اینگونه شرحها و گزیده ها را داشته باشند.

۴. کیفیت تحلیل و شیوه‌های آموزشی استادان:

شیوه‌های کنونی آموزش متون نثر در سطح آموزش عالی، چنانکه باید و شاید به اهداف پیش‌بینی شده‌ی خود دست نیافته و با مسایل و مشکلات بسیاری مواجه است. در اکثر کلاسهای آموزشی، به دلیل نبود مشارکت فعال دانشجویان در مباحث درسی، اکثر دانشجویان در نقش شنونده (نه متکلم و صاحب نظر) ظاهر شده و عده‌ای نیز با این هدف به یادداشت برداری از معنی لغات و اصطلاحات متون می‌پردازند که در موعد برگزاری امتحان با حفظ کردن صرف مطالب درسی و نوشتن بر روی ورقه‌ی امتحانی، در کسب نمره با مشکلی مواجه نگردند. در حالی که اگر به صورت آرمانی نگریسته شود، در حالت کلی، آموزش زبان و ادبیات فارسی، باید به گونه‌ای انجام گیرد که سبب تقویت حس تفکر و کنجکاوی، انتقاد و پرسشگری در موضوعات و مفاهیم مهم متون گردد.

مبحث دیگر در این زمینه، موضوع تحلیل محتوایی آثار متون ادبی معاصر است که به دلیل عدم اشراف علمی استادان بر چگونگی تحلیل و بررسی نکات اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی و... عملاً بررسی محتوا و مفاهیم از دایره‌ی آموزش خارج شده و در نتیجه اکثر دانشجویان از تجزیه و تحلیل این آثار، عاجز هستند. در حالی که بسیاری از آثار ادبی، قابلیت بررسی از دیدگاههای مختلفی همچون: جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، مردم‌شناختی و... را دارند. به‌عنوان نمونه، می‌توان در دوره‌ی بیداری و مشروطیت به اثر متون و سه جلدی «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ یا بالای تعصب» (اثر حاجی زین العابدین مراغه‌ای) اشاره نمود که اولین رمان سیاسی - انتقادی فارسی بوده و در واقع دایره‌المعارف جامعی از اوضاع ایران در قرن سیزدهم است و یا اثر دیگری همچون «تهران مخوف» (اثر مشفق کاظمی) که معایب و مفاصل اجتماعی تهران را نشان می‌دهد. اما اصولاً این مباحث که بخش مهمی از ارزش آثار ادبی و رویکرد متقابل جامعه و ادبیات را شامل می‌شود، عملاً جایی در نظام آموزشی و ارزیابی کارشناسانه‌ی درک و یادگیری دانشجو ندارد و از آنجایی که تدریس متون معاصر، مستلزم تسلط بیشتر استادان دانشگاه بر مفاهیم و محتوای فکری، فلسفی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ادبیات است، استادان سنتی گرا، به ادامه‌ی راه سنتی علاقه‌ی بیشتری نشان می‌دهند و این سبب عقب ماندگی علمی دانشجویان در عرصه‌های مختلف شده است. علی اصغر محمد خانی، در مقاله‌ی «جایگاه ادبیات معاصر در دانشگاه» به این مطلب اشاره می‌کند که: «هنوز برخی از استادان ادب فارسی با ادب معاصر و نیازهای زمان، پیوندی ندارند و ادبیات معاصر را نسبت به ادبیات کهن سبک و بی‌اهمیت می‌دانند» (محمد خانی، ۱۳۷۳: ۴۵).

در واقع مطالعه‌ی «مفهوم محور» این آثار، ضمن دفاع از جایگاه ادبیات فارسی، به بستر سازی توسعه‌ی مدنی، فرهنگی و سیاسی، یاری می‌رساند. پس ضرورت تأسیس رشته یا گرایش «ادبیات منثور فارسی»، قابل بررسی است که در این گرایش، دانشجویان با نحوه‌ی تحلیل انواع متون نثر کهن و معاصر (با محتوای متنوع تاریخی و امروزی)، آشنا شده و در این زمینه تخصص لازم را کسب نمایند.

۵. ایجاد گرایشهای میان رشته‌ای:

تأسیس گرایشهای میان رشته‌ای مربوط به مطالعات ادبی در دانشگاههای معتبر سراسر جهان، نشانه‌ای از درک اهمیت موجود در بطن آثار ادبی است. با نگاهی دقیق به آثار منظوم و منثور ادبیات فارسی، این موضوع آشکار می‌شود که رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، نیز رشته‌ای پردامنه و فراگیر است و با بسیاری از رشته‌های دیگر علوم انسانی همچون جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه، کلام، روان‌شناسی و هنر و ... همپوشانیهای گسترده‌ای دارد که با وجود علاقه‌مندی دانشجویان و دانش‌پژوهان جامعه‌ی علمی، تنها با ارائه‌ی چند مقاله و پایان‌نامه‌ی مستقل دوره‌های کارشناسی ارشد یا دکتری نمی‌توان در حد شایسته و بایسته، به ابعاد مختلف این درونمایه‌ها پرداخت. بنابراین با تأسیس شاخه‌های میان رشته‌ای، باید زمینه‌ی رسمی و الزامی مطالعات ادبی در هر شاخه‌ای، ایجاد شود.

۶. شیوه‌های پژوهشی استادان و دانشجویان در زمینه‌های نوین علمی:

به روز شدن رشته‌های مختلف علمی، سبب پیشرفت چشمگیر این علوم در عرصه‌های بین‌المللی شده است. از جمله شیوه‌های هماهنگی با زمان حاضر، استفاده از منابع اینترنتی در جهت افزایش دانش استادان و دانشجویان است که با در اختیار گذاشتن امکانات و آموزش چگونگی استفاده از پایگاههای علمی و پژوهشی همراه است. اما اکثر تحقیقات انجام گرفته در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی بر اساس متون چاپی است و پژوهشگران و دانشجویانی که در این عرصه فعالیت دارند، به دلیل عدم آموزش صحیح در چگونگی بهره‌گیری از منابع اینترنتی، از دریافت اطلاعات این بخش محروم می‌مانند. پس ضروری است تا در واحد آموزشی «مرجع‌شناسی و روش تحقیق» دوره‌ی کارشناسی، علاوه بر مرجع‌شناسی متون کتابخانه‌ای، مرجع‌شناسی الکترونیکی نیز تدریس شود تا دانشجویان این رشته بتوانند به صورت پایه‌ای مانند دانشجویان سایر رشته‌ها، از امکانات وسیعی که اینترنت در اختیار آنان قرار می‌دهد، استفاده نمایند.

نتیجه گیری:

با توجه به مباحث بیان شده، پیشنهاداتی در راستای بهینه سازی آموزش زبان و ادبیات فارسی ارائه می گردد:
۱. ایجاد تعادل در تعداد واحدهای آموزشی متون نظم و نثر و در عین حال تنوع دهی به گزینش متون مختلف.

۲. بازبینی در شیوه ی گزینش متون مرجع و حذف یا ادغام برخی از واحدهای درسی که ضروری به نظر نمی رسند.

۳. برگزاری جلسات آشنایی دانشجویان و استادان رشته ی زبان و ادبیات فارسی با روشهای نوین تحقیق.

۴. تشکیل دوره های بازآموزی برای استادان، در جهت آشنایی با جنبه های مختلف تدریس، بررسی و تحلیل متون.

۵. تشویق دانشجویان به مناظره و گفتگو درباره ی مفاهیم و محتوای آثار ادبی و الزامی کردن ارائه ی گزارش و مقاله نویسی در کلاس های درسی.

۶. ایجاد گرایشها و رشته های تخصصی میان رشته ای در زمینه های مرتبط با زبان و ادبیات فارسی به صورت کاملاً رسمی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری.

منابع:

۱. ابراهیم پورنمین، محمد. (۱۳۸۶). «آسیب شناسی رشته ی زبان و ادبیات فارسی بر بنیاد نظریه های جامعه شناسی و روان شناسی یادگیری و راهبردهای مقابله با آن». ارائه شده در همایش بایدها و نبایدها در رشته ی زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۶.

۲. حسن لی، کاووس. (۱۳۸۶). «موانع نوآندیشی در رشته ی زبان و ادبیات فارسی با معرفی اجمالی برنامه های جدید دانشگاه شیراز». ارائه شده در همایش بایدها و نبایدها در رشته ی زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۶.

۳. دانشگاه تهران. (۱۳۸۸). «سیستم آموزشی و انتخاب واحد دانشگاه تهران».

<http://www.literature.ac.ir/index/department/language-persian/>

۴. رحیمی، امین. (۱۳۸۶). «علوم انسانی، وضعیت فعلی و چشم انداز فردا». ارائه شده در همایش بایدها و نبایدها در رشته ی زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۶.

۵. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). *انواع نثر فارسی*. تهران: سمت.

۶. سرگزی، عباسعلی. (۱۳۸۶). «نقش و جایگاه ادبیات معاصر ایران و جهان در برنامه ریزی درسی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی». ارائه شده در همایش‌های بایدها و نبایدها در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۶.
۷. محمد خانی، علی اصغر. (۱۳۷۳). «جایگاه ادبیات معاصر در دانشگاه». مجله‌ی الکترونیکی noormags. ش. ۵۸ و ۵۹. دی و بهمن ۱۳۷۳. صص ۴۵-۴۷. (منبع اصلی: مجلات هنر، کلک).